

اعتصاب گسترده و طولانی کارگران گروه صنعتی ملی

صفحه ۴

مصاحبه با کورش مدرسی درباره مبارزه حول افزایش دستمزدها

صفحه ۲

صفحه حزب
صفحه ۳
صفحه ۴
صفحه ۴
صفحه ۴
صفحه حزب
ایسکرا میپرسد
رویدادهای ایران
نگاهی به اخبار جهان
از نشریات داخل

منصور حکمت

دو ابرقدرت

تقابل اخیر آمریکا و رژیم عراق برای استیلا بر سرزمینهای وسیع آن کشور، پرسوناژها یکی از دیگری کربیه تر و نفرت آور ترند. در یک سو، "تنها ابرقدرت جهان"، کلاتر خود گمارده دنیا، خود ضد انسانی ترین پرونده ها را دارد. برچیدن سلاحهای انهدام و کشتار جمعی کاری بینهایت ارزشمند و حیاتی است، مشروط بر اینکه آدم یادش باشد که تنها کسی در طول تاریخ تاکنونی که سلاح اتمی را علیه مردم بکار برده است و در ظرف چند ثانیه دو شهر را با کودکان و خانه هایش، با دهها هزار انسان بی دفاع و بی خبر خاکستر کرده است، همین آمریکا است. ویتنام هنوز از اثرات بمباران های شیمیایی مداوم آمریکا کمر راست نکرده است. در قطب مقابل، یکی از خشن ترین و کثیف ترین رژیمهای سیاسی جهان قرار گرفته است. رژیم صدام حسین و طارق عزیز و شرکاء، که در انتظار عام قیافه قربانی زورگویی را بخود میکشند، رژیم خفقان و اعدام و شکنجه است. اینها عاملان و مجریان کشتار شیمیایی حلبچه و بوتی اند. اولین گام مردم عراق بسوی آزادی و رهایی و یک زندگی انسانی برانداختن این حکومت ترور و سرکوب است.

درگیریهای اخیر آمریکا و عراق مراحل در سیر عملی برداشته شدن تحریم اقتصادی از روی عراق است. معلوم است در غیاب سر و صدا و جلب توجه عراق، غرب راسا "سروقت" تحریم را لغو نخواهد کرد. این کشمکشها مقدمات الزامی لغو تحریم است، آنهم در شرایطی که آمریکا به سادگی به این اقدام توافق نمیکند.

عقب نشینی آمریکا در این دور اخیر نه حاصل استدالات و فعالیت های روابط عمومی عراق بود و نه مدیون اومانیسیم و صلح طلبی نویافته روسیه و فرانسه و چین. در پس فعالیت های دیپلوماتیک دولتهای مختلف برای اجتناب از درگیری نظامی، فشار یک قدرت عظیم تر، فشار تنها ابرقدرت واقعی دوران ما، را میشد مشاهده کرد، و آن قدرت جهانی انسانیت و نیروی بالقوه توده مردم زحمتکش بود. این قدرت بود که آمریکا را از دست زدن به یک وحشیگری نظامی جدید باز داشت. جهان به کلینتون ها و آلبرایت ها و خیل ژورنالیستهای جیره خوار هیات حاکمه آمریکا فهماند که دیگر کوبیدن مردم محروم عراق را تحمل نمیکند. نه فقط این، بلکه خواهان پایان یافتن کابوس هفت ساله مردم تحت محاصره اقتصادی است. بقول شرکت کننده ای در یک تظاهرات ضد آمریکایی، محاصره اقتصادی خود مهلک ترین سلاح انهدام و کشتار جمعی است. سلاحی که هفت سال است هر روز به کودکان عراقی شلیک میشود و تا همینجا میلیونها قربانی داشته است. غرب و آمریکا فهمیدند که بمباران مردم عراق و نابود کردن دوباره کارخانه شیرخشک و پلهای روی دجله و شبکه آب آشامیدنی بعنوان "تسهیلاتی با کاربست دوگانه" به یک موج عظیم خصومت ضد آمریکایی در منطقه دامن میزند که "تنها ابر قدرت جهان" توان مقابله با عواقبش را نخواهد داشت.

محاصره اقتصادی عراق باید فوراً لغو شود. تهدید نظامی آمریکا باید برای همیشه از بالای سر مردم منطقه برداشته شود. صرفنظر از مشقات غیر قابل توصیف اقتصادی ای که این شرایط بر مردم عراق تحمیل میکند، توحش غرب به بقاء رژیم ارتجاعی عراق خدمت میکند. تا آنجا که به مبارزه برای رهایی و آزادی مردم عراق مربوط میشود، کلینتون و صدام حسین به یک اردو تعلق دارند.

کنگره اول حزب کمونیست کارگری عراق با موفقیت کامل پایان یافت

صفحه ۲

قدری دولت آمریکا به مانع برخورد

صفحه ۲

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران بمناسبت روز جهانی زن

حقوق زنان جهانشمول است

حقوق زنان جهانشمول است، برابری زن و مرد و رهایی زنان از ارزشها و نظام مردسالارانه در هر گوشه جهان با هر فرهنگ و سنت و مذهبی، یک معنای واحد و یکسان دارد. عجیب و تاسف آور است که باید امروز بار دیگر بر چنین بدیهیاتی تاکید کنیم. ولی پیشروی جریانات و جنبش های ارتجاعی و مذهبی و ناسیونالیستی در سالهای اخیر از یکسو و عقبگرد جنبش های مترقی و برابری طلب از سوی دیگر آنچه یک دهه پیش بدیهی بنظر میرسید و پیش فرض هر جنبش مترقی و آزادیخواه بود را زیر سوال قرار داده است.

مقولاتی چون نسبیت فرهنگی و لاطائلاتی چون "فرهنگ و مذهب هر جامعه ای محترم است" و کاربست آنها به بازبینی حقوق و موقعیت زنان در جامعه، هم اکنون به بحث و پراتیکی قابل دفاع و "محترم" حتی در میان بخشی از جنبش رهایی زنان و جنبشهای ضد راسیستی بدل شده است. اگر قرار بود حقوق و آزادی زن به فرهنگها و ارزشها و سنتهای هر جامعه مشروط شود و این قیود و شروط محترم شمرده شود، چیزی بعنوان جنبش رهایی زن وجود خارجی پیدا نمیکرد. اگر بنا بود در خود اروپا و کشورهای غربی که تاریخ و سنت طولانی مبارزه برای حقوق زنان و برابری زن و مرد دارند، فرهنگ و ارزشهای ابتدای قرن و احکام رایج مسیحیت معتبر شمرده شوند، اگر معیارها و سنتهای کهنه این جوامع در رابطه با نقش زن در جامعه و خانواده مورد احترام باقی میماندند، موقعیت زنان در این جوامع هم اکنون بسیار اسفناک میبود. از حقوق برابر، از حق طلاق، از انقلاب جنسی، از زنان آزاد و از استقلال زن و خلاصی اش از قیمومت پدر و شوهر و برادر اثر و نشانی نمیبود. اگر فرهنگ و سنن حاکم بر هر جامعه محترم بود و محترم میماند، از هیچیک از پیشرویهایی که در این قرن بنفع زنان و به یمن مبارزات انقلابی، برابری طلبانه و سوسیالیستی بدست آمده، صحبتی هم نمیتوانست در میان باشد.

هیچ جریانی و جنبشی که ادعای آزادیخواهی و برابری طلبی دارد به هیچ عنوان مجاز نیست به فرهنگ مردسالار احترام بگذارد. فرهنگ حاکم مردسالار است و اگر به مصاف طلبیده نشود، مردسالار باقی خواهد ماند. در آستانه ۸ مارس، روز همبستگی بینالمللی برای رهایی زن از قید ستم و سرکوب مردسالارانه، بر جهانشمول بودن حقوق زنان، یکسان بودن معنای رهایی زن از نظام و ارزشهای مردسالارانه در تمام گوشه های جهان تاکید می کنیم. برای زن آزادیخواهی که در افغانستان، ایران، الجزایر، فرانسه، سوئد و آمریکا بدنیا آمده است حقوق برابر و آزادی دارای معنایی یکسان است. نادیده گرفتن این اصل تخطی ناپذیر با توجیه نسبیت فرهنگی و احترام به ارزشها، سنن و فرهنگ حاکم بر جامعه، عین زن ستیزی است. حزب کمونیست کارگری به صف عظیم و پر افتخار مبارزه برای رهایی کامل زن و برابری بی قید و شرط و فوری زن و مرد تعلق دارد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

مارس ۹۸

فاتح شیخ الاسلامی

انقلاب ۵۷ از نگاه امروز

ما برای آزادی و برابری و رفاه انقلاب کردیم. پاییز ۵۷، همراه با فریاد "مرگ بر شاه"، شعار "برادری، برابری، حکومت کارگری" سر زبانها بود. همانوقت خمینی در پاریس و طالقانی در تهران به جنبش اسلامیشان امریه دادند که در راهپیمائی تاسوعا صدای هرگونه شعار رادیکال، حتی "مرگ بر شاه"، را خفه کنند. اسلاميون از همانوقت همه جا مقابل انقلاب مردم ایستادند و حزب الله شان را جانشین چماقداران شاه کردند. از این طریق بورژوازی ایران، در شرایطی که دیگر رژیم شاه از پس مردم بیباخته بر نمیآمد، نامزد جدید سرکوب انقلاب را بازشناخت و با او بیعت کرد و همینکه اجلاس قدرتهای امپریالیست در گوادلوپ پای این بیعت صحنه گذاشت، شاه رفت و خمینی آمد. بورژوازی ایران با پرچم سبز اسلام و بیاری امپریالیسم، با ترکیب جدیدترین رکورد و روش آدمکشی با کهنه پاره ترین مذهب موروثی، انقلاب را مهار و مآلا سرکوب کرد. انقلاب ۵۷، انقلاب کارگران و مردم محروم برای آزادی و برابری بود که در شرایط سلطه تشمت و ابهام بر جبهه کمونیسم و کارگر، ارتجاعیون اسلامی با زدن مهر "انقلاب اسلامی" آنرا مصادره کردند و بخون کشیدند. در غیاب صف آگاه و متشکل کارگر و کمونیسم، خمینی، این مظهر بلاهت و ارتجاع، فرصت یافت با تمسخر ایده آلهای انقلاب مردم بگوید: ما برای اسلام انقلاب کردیم نه برای خریزه!

ما برای آزادی و برابری انقلاب کردیم که از یک خریزه بیشتر در سفره کارگر تا تصرف قدرت سیاسی و برچیدن کل بساط استثمار و سرکوب بورژوازی را در بر میگیرد. مضمون مبارزه امروز برای سرنگونی جمهوری اسلامی هم تلاش برای تحقق همین ایده آلهاست که ما کمونیستها آن را در شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" خلاصه کرده ایم. ایده آلهای انقلاب ۵۷، با آنکه آتش به جان بورژوازی انداختند، هنوز اهداف مبهمی بودند که جدا کردنشان از توهمات موجود برای توده وسیع شرکت کننده در آن انقلاب دشوار بود. اما در پی دو دهه تجربه سیاسی کارگران و بمدد تلاش کمونیسمی پیگیر در همه این سالها، امروز مفاهیم آزادی و برابری با بیانی روشن و عاری از ابهام بمثابة اهداف انقلاب اجتماعی کارگران، در برابر کل نظام بردگی مزدی سرمایه و رژیم اسلامی آن قرار گرفته است. در دوره انقلاب ۵۷، زمانیکه اپوزیسیون بورژوازی از سر منافع روز خود و بخش بزرگ چپ ناسیونالیست از سر توهمات خلقی پشت خمینی رفتند، بخش پیگیر جنبش کمونیستی به خمینی و جمهوری اسلامی اش نه محکم گفت و با تلاش برای روشن کردن نقش پرولتاریا در انقلاب و همزمان سازماندهی نیروی کارگران و توده مردم برای دفاع از دستاوردهای انقلاب، در برابر همه جناحهای رژیم اسلامی قاطعانه ایستاد. امروز با گذشت دو دهه از آن تلاش سیاسی و نظری، حزب کمونیست کارگری ایران پرچمدار ادامه آن کمونیسم پیگیر است و در شرایطی که مجددا بخش بزرگی از اپوزیسیون، این بار با حمایت از خاتمی، سر به آستان رژیم بحران زده و به آخر خط رسیده اسلامی میسایند و به بقای آن خدمت میکنند، با عزم و نیروئی

ادامه در صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری

اطلاعیه های کمیته های حزبی

در هفته های اخیر اطلاعیه های متعددی از جانب کمیته داخل حزب کمونیست کارگری ایران، کمیته سندج، کمیته مریوان و واحدهای مختلف حزب در خارج کشور صادر شده که فشرده تعدادی از آنها را میخوانید:

✱ کمیته داخل حزب اطلاعیه هایی راجع به اعتصاب کارگران گروه صنعتی ملی و سایر تحرکات کارگری با این عناوین منتشر کرده است: "مبارزات کارگران بر سر خواست افزایش دستمزدها ادامه دارد"، "کارگران کفش ملی همچنان در اعتصاب بسر میبرند"، "با فراسیدن پایان سال و موعد تعیین میزان حداقل دستمزد سراسری کارگران، مبارزات کارگری حول خواست افزایش دستمزدها بالا گرفته است"، "کارگران اعتصابی کفش ملی در خطر دستگیری قرار دارند" و "کارگران دستگیر شده گروه صنعتی ملی باید فوراً آزاد گردند".

کمیته داخل حزب بتاريخ بهمن ۷۶ (فوریه ۹۸) اطلاعیه دیگری با عنوان "حزب کارگران یا حزب بردگی کارگران" منتشر کرده که در آن تلاش ضدکارگری عمل خانه کارگر برای ایجاد یک حزب طرفدار رژیم و کنترل کننده مبارزات گسترش یابنده کارگران، افشا شده است.

✱ کمیته سندج حزب بتاريخ ۲۴ بهمن ۱۳ (فوریه) اطلاعیه ای با عنوان "مقاومت و نفرت عمومی در قبال مجازاتهای اسلامی گسترش مییابد" منتشر کرد. "درگیری مردم و ماموران رژیم در شهر سندج" عنوان اطلاعیه دیگری از کمیته سندج است (۲۳ بهمن ۷۶ - ۱۲ فوریه ۹۸). کمیته سندج حزب دو هفته بعد طی اطلاعیه ای اعلام کرد که سه نفر از دستگیر شدگان هنوز در زندان بسر میبرند و متهمند عامدانه با پلیس زد و خورد کرده‌اند تا مردم را به درگیری دسته جمعی تحریک کنند.

✱ کمیته مریوان حزب نیز طی اطلاعیه ای از دستگیری سه مرد و سه زن در شهر مریوان خبر داده است. مزدوران رژیم این افراد را به اتهام رابطه جنسی دستگیر کرده اند. کمیته مریوان همه مردم انساندوست و آزادیخواه و نهادهای بین المللی و مدافع حقوق زن را به تحت فشار قرار دادن رژیم اسلامی برای آزادی دستگیرشدگان فراخوانده است. ✱ بخشهایی از اطلاعیه مورخ ۱۵ فوریه تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - آلمان، درباره تشنج در مراسم سخنرانی عبدالکریم سروش در هامبورگ:

"سخنرانی سروش، در ۳۳ فوریه در هامبورگ با اعتراض نیروهای آزادیخواه و فعالین حزب کمونیست کارگری ایران مواجه شد. فعالین حزب در این مراسم با پخش اطلاعیه هایی در باره عبدالکریم سروش و نقش وی در انقلاب فرهنگی رژیم اسلامی به افشاکاری پرداختند. سروش سازمانده و ایدئولوگ انقلاب فرهنگی رژیم و شریک جرم ضرب و جرح و قتل دانشجویان مبارز در جریان حمله اویاش حزب الله به دانشگاهها در سال ۵۹ است. حزب کمونیست کارگری مضمم است هر نوع ابراز وجود پایدی رژیم اسلامی در خارج کشور را به صحنه افشاکاری از رژیم و آگاهگری نسبت به چهره و هویت سیاسی واقعی عناصری نظیر عبدالکریم سروش بدل سازد. برگزار کنندگان مراسم هامبورگ از همان آغاز با اتکا به چند گارد لپین همراه سروش، در صدد ممانعت از فعالیتهای روشنگرانه بر آمدند. اعمال چنین روشهایی تنها موجب تشدید اعتراض حضار سالن گردید. تعدادی از فعالین حزب و نیروهای آزادیخواه که به داخل سالن راه یافته بودند در جریان سخنرانی ها به طرح سوال درباره نقش سروش در انقلاب فرهنگی و دادن شعار علیه جمهوری اسلامی پرداختند. اراذل و اوباش اسلامی انتظامات جلسه در پایان جلسه به معترضین حمله ور شدند و فعالین حزب نیز به مقابله برخاسته حسابشان را کف دستشان گذاشتند. افشاکاری فعالین حزب از سروش و انقلاب فرهنگی رژیم، مورد استقبال مردم آزادیخواه در هامبورگ قرار گرفت. در پایان این اطلاعیه آمده است: "مرتجعینی مثل سروش تفاله های رژیم اسلامی هستند و با رفتن رژیم دکان این جماعت نیز برچیده خواهد شد. اینگونه عناصر باید بدانند هر جا بساطشان را پهن کنند ما نیز حضور خواهیم یافت تا هویت واقعی آنها را به مردم بشناسانیم."

خبر این واقعه در نشریات داخل و خارج کشور، ازجمله روزنامه های جامعه و اطلاعات بین المللی، انعکاس گسترده ای یافت و رادیوهای صدای ایران در آمریکا و پژواک در سوئد اطلاعیه حزب را منعکس کردند. قبل از سخنرانی سروش نیز دو اطلاعیه از جانب کمیته آلمان حزب و بهمن شفیق با عناوین "عبدالکریم سروش کیست؟ و چه کسی به بزرگداشت دانشجویان قربانی خواهد پرداخت؟" و "به مناسبت سخنرانی مجرمی به نام سروش در دانشگاه هامبورگ" منتشر شده بود.

کارگران ایران رژیم اسلامی را به مصاف می طلبند

از مبارزات کارگران ایران حمایت کنید

با فرارسیدن پایان سال و موعد تعیین میزان حداقل دستمزدها، موجی از مبارزات کارگری در مناطق و مراکز صنعتی ایران شروع شده است. در چند ماه گذشته بیش از سی حرکت و اعتصاب کارگری در نقاط مختلف ایران رخ داده است. دامنه این اعتصابات گسترده است و رسانه های رژیم مجبور شده اند به وقوع بخشی از آنها اعتراف کنند. از جمله این مبارزات کارگری میتوان از اعتصاب ماشین سازی اراک، اعتصاب معدنچیان شاهرود، معدن سنگسر، نورد اهواز، تراکتورسازی تبریز، پارچه بافی نمازی هشتگرد، ریسندگی و بافندگی بافناد، نساجی تجارت، سیمین اصفهان، جرتقیل سازه های فیروزا و وزنه، قطعات فولادی کرج و سیمان رشت نام برد. به این لیست باید اعتصاب و تحصن ده هزار نفر از کارگران گروه صنعتی ملی را افزود که چهار هفته است ادامه دارد.

افزایش دستمزدها خواست فوری کارگران است. امروز حداقل دستمزد کارگران بنا به آمارهای خود رژیم از یک سوم خط فقر هم پائین تر است. پرداخت حقوق و مزایای معوقه و بهبود ایمنی محیط کار از دیگر خواسته های کارگران بوده است. در این اعتصابات کارگران همچنین به دستگیریهای مکرر و اخراج در بخشهایی از صنایع اعتراض کرده اند. این اعتصابات در شرایطی صورت میگیرد که کارگران ایران از حقوق ابتدائی و شناخته شده بین المللی کارگری مانند حق تشکل، حق اعتصاب و انعقاد قرارداد دسته جمعی توسط نمایندگان مستقیم خود محرومند. سالهاست رژیم اسلامی با به بند کشیدن کارگران سطح زندگی فلاکتباری را به آنها تحمیل کرده است. هر مبارزه و تلاش کارگران برای بهبود وضعیت شان با سد سرکوب، پیگرد، دستگیری و زندان رژیم اسلامی مواجه میشود. هر اعتصاب و خواست ساده کارگری پای نیروهای انتظامی را وسط میکشد. علاوه بر شبکه های جاسوسی و انجمنهای اسلامی، نیروهای نظامی و گارد ویژه حراست در محیط کار حضور دائم دارند و بخشی از کارگران دستگیر شده در اعتصابات اخیر هنوز در زندان بسر میبرند.

سازمانهای کارگری جهان!

همبستگی جهانی و گسترده سال گذشته شما از کارگران نفت ایران، نمونه ای از یک حمایت پرشور کارگری بود که بمدت چند ماه بطور محسوسی رژیم را تحت فشار گذاشت. امروز با تشدید اختلافات جناحهای رژیم و بهم ریخته شدن جبهه ارتجاع، فضا برای رویارویی و طرح خواسته های سرکوب شده کارگران و مردم محروم از هرزمان دیگری مساعدتر شده و تحرک تازهای در میان توده های محروم مردم آغاز گردیده است. در شرایطی که دولتهای غربی و رسانه های عوامفریب شان کمر به حمایت از یکی از جناحهای این رژیم ارتجاعی و ضد کارگری بستنند، حمایت شما از مبارزات و خواسته های کارگران ایران طرف دیگر تصویری است که این دولتها و رسانه هایشان علاقمند به آن ندارند. کارگران ایران در این شرایط به حمایت قاطع و همبستگی بین المللی شما برای تحقق خواسته هایشان نیاز دارند. از خواسته های کارگران ایران حمایت کنید و مثل همیشه نشان دهید که همبستگی کارگری مرز نمی شناسد.

زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ فوریه ۹۸

در این ستون در هر شماره چند سوال از میان سؤالاتی که به ایسکرا می رسد از مسئولان حزب پرسیده میشود. خوانندگان گرامی میتوانند پرسشهایشان از حزب را از طریق نامه، فاکس و میل با ما در میان بگذارید

ایسکرا می پرسد

ایسکرا: یکی دوسال است کادرها و فعالین حزب بر سر مسائل متنوعی با اعضاء شخصی اطلاعیه میدهند. لحن و مواضع این اطلاعیه ها همواره با موضع رسمی حزب در مورد مسائل مختلف منطبق نیست. آیا این تناقضی در کار حزب ایجاد نمیکند؟ آیا هیچ کنترلی روی مضمون این اطلاعیه ها نیست یا نباید باشد؟

منصور حکمت: این روش هم، مثل نشریات مجانی!، از دستاوردهای مهم ما در این سالها بوده است. ما از سنت تاکنونی چپ بی چهره، که انکار اطلاعیه هایشان به قلم خود شخص تاریخ یا کل ماشین سازمانی است و در همان حال رهبران شان را در انتظار عام "مدد" و "اتقی" خطاب میکنند، شدت فاصله گرفته ایم. کمیته ها، فعالین جنبش کمونیسم کارگری، انسانهای واقعی اند، با قلم و بیان و تشخیص فردی خودشان در قبال مسائل. بگذارید در مقابل خیل وزیر وکیل ها و دکتر مهندس ها و تیمسار ها و آیت الله های طبقه حاکم، مردم طیفی از چهره های ملموس، قابل دسترسی و واقعی از قطب شرافت و انسانیت در جامعه را ببینند و نسبت به تک تک آنها قضاوت و محبت داشته باشند. ما داریم صف خودمان را به جامعه معرفی میکنیم. این روش بسیار ما را قویتر کرده است.

هیچ مرجعی در حزب کمونیست کارگری اجازه این جسارت را به خود نخواهد داد که اعلامیه فردی رقیبی را کنترل و سانسور کند. این رابطه ای است بین آن فرد و جامعه ای که در آن زندگی میکند. مقدار زیادی صلاحیت و مشورت و نصیحت طبعاً در این میان رد و بلل میشود. این اعلامیه ها فردی است. حتی بهترین و کمونیستی ترین آن سند رسمی حزب نیست. در ابتدای کار برخی ناظرین اینها را به پای حزب خواهند نوشت، اما به تدریج جامعه خواهد پذیرفت که حزب کمونیست کارگری متشکل از طیف وسیعی از انسانهای مستقل و صاحب فکر است که با همه گوناگونی لحن و عواطف و بیانشان، به یک جنبش واحد تعلق دارند. فردیت تک تک ما در کنار وحدت سیاسی مان به رسمیت شناخته خواهد شد. کاری که جنبشهای طبقات دیگر کرده اند و ما هنوز از آنها عقبیم. تفاوت و بعضاً نواقص مضمونی و لحنی اطلاعیه های فردی فعالین حزب کسی را در رهبری این حزب نگران نمیکند. طبعاً همه دوست داریم لحن ها و مضامین مناسب باشند و به لطف اینترنت امکان نظر پرسی از رفقای حزبی قبل از انتشار اطلاعیه های فردی کاملاً وجود دارد. اما کلید مساله در تحلیل نهایی تقویت انسجام سیاسی یک جریان است. و بالاخره واضح است که نشریات و ارگانهای حزبی از میان این کوه اطلاعیه ها آنهایی را منعکس خواهند کرد که خود میپسندند.

ایسکرا: می پرسند چگونه اینهمه نشریه رایگان منتشر میکنید، پول اینها را از کجا میآورید، انترناسیونال، همبستگی، کارگر امروز، بولتن اطلاعاتی، کارگر کمونیست و حالا هم ایسکرا؟

منصور حکمت: این یکی از شیرین ترین سؤالاتی است که جلوی ما میگذارند، بخصوص وقتی با کنایه و چشمک میپرسند، که پس حتماً "حزب کمونیست کارگری دمش بجایی بند است". شخصاً واقعا هروقت این سوال را میشنوم، آنهم بطور روزافزونی از ملیون و سلطنت طلبهایی که خودشان بدون اسپانسر دولتی اصلاً فعالیت نمیتوانند بکنند، احساس غرور میکنم. ببینید وحدت و تلاش یک عده کمونیست چه واقعیت چشمگیر و قدرتمندی جلوی اینها گذاشته است که دارند در ورای سیاست و در دنیای قدرتها و ابرقدرتها دنبال منشاء آن میگردند. کاش دمسار به جایی بند بود. کاش یک قطبی، دولتی، بین المللی، کارگر میلیاردری پیدا میشد که به این حزب کمونیستی افراطی و خلاف جریان و بدقلق ما بودجه و امکاناتی میداد تا کارمان را گسترش بدهیم و گوشه ای از نابرابری مادی نجومی ای را که بین ما و جبهه مقابل ما در مبارزه طبقاتی وجود دارد جبران کنیم.

امکانات این حزب مدیون همت و از خودگذشتگی اعضایش است. تقریباً تمام بودجه این حزب از محل حق عضویت اعضاء و کمک های مالی مستمر دوستانارانش تامین میشود. این حزب بزرگی است. قبل از اینکه نشریات مجانی و متعدد ما چشم کسی را بگیرد، باید به گستردگی این سازمان و تعلق خاطر اینهمه کمونیست به حزبشان توجه کند. این مجانی بودن نشریات ما نیست که چشمگیر است، توانایی پخش کردنش در چهار گوشه دنیا حقایق مهمتری را درباره این حزب بیان میکند. اگر سازمانهای دیگر در تیراژ پائین کار میکنند در درجه اول برای این نیست که پول چاپش را ندارند، که شاید نداشته باشند، بلکه برای اینست که توان توزیعش را ندارند و برای مطالبشان خواننده ندارند. این آن حقیقتی است که باید درک شود.

در این روزگار ماهواره ها و کانالهای تلویزیونی و رادیویی مجانی، روزنامه کمونیستی باید مجانی باشد. کسی که تا یک دلار از من خواننده نگیرد حاضر نیست نظرش را راجع به خاتمی و قانون کار و زندانیان سیاسی به من بگوید، سیاسی کار جدی ای نیست، قصد تاثیر گذاری بر دنیا را ندارد و در این زمانه بجایی نمیرسد. از نظر اقتصادی هم برای یک حزب سیاسی نشریه مجانی امکانسازتر است و شانس استواری مالی اش بیشتر است. ما حاضریم به هر جریانی که بخواهد این سبک را در پیش بگیرد مستشار بفرستیم!

گوشه هایی از فعالیت حزب ده خارج کشور

سخنرانیها:

در هفته های اخیر سخنرانیها و مصاحبه های رادیویی متعددی در کشورهای مختلف توسط کادرهای حزب انجام شد که تمهای مختلفی را دربر میگیرند:

درباره اوضاع سیاسی ایران و اپوزیسیون طرفدار رژیم

در آلمان: سیاوش مدرسی (هامبورگ)، محمد آسنگران (برمن)، آذر مدرسی (کلن)، صالح سرداری (کاسل)، بهمن شفیق (برلین)، جلال محمود زاده (کیسن و اشتوتگارد) و نادر بکتاش (هامبورگ) و در سوئد ایرج فرزاد (مالمو)، فاتح شیخ الاسلامی (گوتنبرگ)، بیژن هدایت (لین شوپینگ) و سیاوش دانشور (استکهلم) و در دانمارک (کپنهاگ) بیژن هدایت سخنرانی کردند. در این سخنرانیها، کادرهای حزب روند تحولات سیاسی، آخرین رویدادهای سیاسی ایران و نقش نیروهای اپوزیسیون طرفدار رژیم را مورد بررسی قرار دادند، سیاستهای حزب را تشریح کردند و سپس به سوالات حضار پاسخ دادند. در مورد تحولات سیاسی در ایران، همچنین تعدادی مصاحبه رادیویی نیز با کادرهای حزب صورت گرفت از جمله میزگردی توسط رادیو صدای ایران در آمریکا تهیه شده بود که در آن علی جوادی یکی از سخنرانان آن بود. رادیوی ایران زمین در دالاس نیز پیرامون بودجه دولتی سال ۱۳۷۷ جمهوری اسلامی و عواقب آن برای مردم با علی جوادی مصاحبه کرد.

نادر بکتاش نیز در یک جلسه خانه حزب کلن در مورد قانون نویسندگان و رمان "نامه به آقای رئیس" با حضار در جلسه به گفتگو نشست.

درباره سقط جنین

طی هفته های اخیر چند سخنرانی توسط کادرهای حزب درباره سقط جنین و مبانی یک سیاست پیشرو و انسانی در قبال آن برگزار شد. این سخنرانیها توسط مینا احدی (در آلمان، کیسن)، آذر مدرسی (در آلمان، برمن) و آذر ماجدی (در سوئد، استکهلم) انجام شده است. پیرامون سقط جنین همچنین در اوایل فوریه میزگردی توسط خانه حزب کمونیست کارگری ایران، کاسل برگزار شد که در آن شادی امین از نشریه "زن در مبارزه"، پروین شکوری از "تشکل مستقل دمکراتیک زنان ایرانی" و مینا احدی کادر حزب کمونیست کارگری و سخنگوی کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران سخنرانی کردند و به سوالات حضار پاسخ دادند. میزگرد دیگری نیز قبلاً در خانه حزب کلن برگزار شده بود که سخنرانان آن از طرف حزب آذر مدرسی و از طرف تشکل مستقل دمکراتیک زنان ایرانی پروین شکوری و سیمین افشار بودند.

در لندن (انگلیس) جلسه سخنرانی و بحث و گفتگو پیرامون جنبش زنان و فمینیسم اسلامی از طرف واحد حزب در انگلیس برگزار شد و سخنران آن اعظم کم گویان عضو تحریریه نشریه انترناسیونال بود.

این سخنرانی ها و سمینارها با استقبال مواجه شد و بدنبال ارائه بحث از جانب سخنرانان بحثهای پرحرارتی صورت گرفت.

درباره مجازات اعدام

"مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقض عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود". این بندی از یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری است که پیرامون آن تاکنون چند سخنرانی توسط علی جوادی در شهرهای آمریکا، کانادا، دانمارک، سوئد و آلمان برگزار شده است.

"ایران جامعه ای اسلامی نیست"

تم دیگری است که در هفته های اخیر سخنرانیهایی حول آن صورت گرفته است: در تورنتو (کانادا) امیر پیام عضو تحریریه انترناسیونال در سخنرانی خود حول این موضوع، به افشای خیل روشنفکرانی پرداخت که همصدا با جمهوری اسلامی ایران را اسلامی میخوانند تا آترا اسلامی کنند.

سخنرانیهایی نیز با عنوان مذهب و کمونیسم کارگری در آلمان در کلن و مونستر توسط بهمن شفیق صورت گرفت.

بمناسبت سالروز انقلاب ۵۷

خانه حزب کلن (آلمان) بمناسبت سالروز انقلاب بهمن میزگردی ترتیب داد که در آن مجید زریخش از شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران، مصطفی مدنی از سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و بهمن شفیق از حزب کمونیست کارگری ایران سخنرانان آن بودند. در دورتموند بهمن شفیق عضو کمیته مرکزی حزب از سخنرانان سمیناری بود که توسط انجن مطالعات اجتماعی و فرهنگی ایران پیرامون انقلاب ۵۷ ترتیب داده شده بود. در برمن نیز سمیناری به همین مناسبت برگزار شده بود. از طرف حزب بهمن شفیق در این سمینار سخنرانی کرد.

در لندن (انگلیس) نیز سمیناری درباره انقلاب بهمن از طرف شماری از سازمانهای سیاسی برگزار شد و نمایندگان آن سازمانها در این زمینه سخنرانی کردند. سخنران حزب در این سمینار محمد فتاحی بود.

درباره انقلاب بهمن همچنین یک مصاحبه رادیویی توسط رادیو "ایران زمین" دالاس با علی جوادی صورت گرفت که در آن تئوریهای موجود در زمینه عوامل و نیروهای انقلاب ۵۷ و چگونگی شکل گیری جمهوری اسلامی مورد بحث قرار گرفت.

مصاحبه با کورش مدرسی

عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته داخل حزب کمونیست کارگری ایران

ایسکرا: طی چند ماه گذشته اعتراضات کارگری در ایران ابعاد گسترده تری یافته است. خواستههای مشخص کارگران در این اعتراضات چیست و آیا از گستردگی این تحركات میشود نتیجه گرفت که کارگران موقعیت کنونی را برای تشدید مبارزات و تحقق مطالباتشان مساعد تشخیص داده اند؟

کورش مدرسی: مبارزات و اعتراضات اخیر اساساً حول مسأله دستمزدها و قراردادهای کار است که اوضاع جدید سیاسی در ایران به آن دامنه وسیعتری داده است. طبقه کارگر توسط حکومت وحشت و ترور اسلامی به فلاکت رانده شده است. ساعت کار طولانی، چند کاره بودن، اضافه کاری دائمی، تازه اگر گیر بیاید، کارگر و خانواده کارگری را در هم کوبیده است. اگر چیزی جلو دار دولت و کارفرمایان بوده مقاومت و مبارزه کارگران بوده است. این کشمکش گرچه دائمی است اما با نزدیک شدن آغاز هر سال جدید و موعد تمدید و تجدید قراردادها به راس همه کشمکشهای میان دولت و کارفرمایان با کارگران رانده میشود. امسال هم همین اتفاق افتاده است. اعتصاب کارگران گروه صنعتی ملی، و همچنین اعتصابات و اعتراضات دیگر نظیر اعتراضات کارگران پارچه بافی نمازی، جرثقیل سازیهای فیروزا و وزنه و کارخانجات جرثقیل های هوایی، زمینی و ساختمان سازی نمونههایی از این رودررویی و تلاش کارگران برای دفاع از معیشت خود و خانوادهشان و برخورداری از یک حداقل زندگی انسانی است.

اوضاع سیاسی جدید در ایران نیز قطعاً بر این مبارزه تاثیر دارد. مبارزه کارگران بشدت از تناسبات نیروی میان مردم معترض به جمهوری اسلامی و دولت تاثیر میگیرد. این دیگر امروز دانسته همه مردم ایران و حتی خود دولت است که حاصل باصطلاح انتخابات نه رای مثبت به خاتمی بلکه رای نه به مخالف او یعنی سمبل حکومت اسلامی است. مردم ایران و بیش از همه کارگران در این رای

گیری توی دهان حکومت اسلام زدند. این واقعیت تناسب قوا در جامعه را بشدت تغییر داده است. اصطلاح عامه "جماعت بیست درصد" و "اکثریت هشتاد درصد" که امروز سر زبانها است چیزی جز سرکوفت به طرفداران جمهوری اسلامی، از هر قماش آن، نیست. مردم این را میدانند، دولت و اپوزیسیون طرفدار دولت، از توده‌های و اکثریتی تا مجاهد انقلاب اسلامی این را میدانند. اگر مردم و از جمله کارگران هنوز نتوانسته باشند دستشان را روی دولت بلند کنند، نقداً نتوانسته‌اند علناً زبانشان را باز کنند. جمهوری اسلامی در یک موقعیت تدافعی قرار دارد و صفوفش در اثر پیشروی مردم و سردرگمی استراتژیک خود بهم ریخته است. مبارزات کارگری نیز، همانطور که گفتیم، از این تناسب قوا بشدت تاثیر میگیرد. راستش باید گفت مبارزات کارگری بیش از هر مبارزه دیگری این تناسب قوا را در خود منعکس میکند و درست بهمین دلیل سرنوشت قدرت سیاسی در جامعه ایران بیش از هرکس بر طبقه کارگر تاثیر میگذارد. در هر حال، اوضاع جدید معنایش باز شدن امکان مبارزه علنی‌تر، متحدرتر و وسیعتر و باصطلاح قانونی کارگران است. منظورم از مبارزه قانونی، مبارزه در چهارچوب قانون مدون نیست بلکه مبارزه در چهارچوبی است که تناسب قوا آنرا ممکن کرده‌است. باین معنا هر تغییری در تناسب قوا در هر سطحی حدود قانون قابل اجرا در آن سطح را تغییر میدهد. تناسب قوا جدید معنایش حدود جدیدی در امکان فعالیت و مبارزه قانونی کارگری، و اصولاً هر مبارزه دیگری، است. کارگران و رهبران کارگری هم طبعاً در این تناسب قوا مبارزه میکنند و از آن بهره میگیرند و متقابلاً آنرا تغییر میدهند.

ایسکرا: چشم انداز اعتراضات کارگری را چگونه ارزیابی میکنید؟

کورش مدرسی: اوضاعی که مبارزات اخیر در آن روی میدهد مولفه‌های مختلفی دارد. از یک

طرف تغییر تناسب قوای سیاسی در جامعه و قرار گرفتن دولت در موقعیت تدافعی شرایط بسیار مناسبی برای گسترش مبارزات و تحمیل خواستهها به دولت و کارفرمایان بوجود آورده است. از طرف دیگر بودجه جدید کل بار فشار اقتصادی را به گرده کارگر و مردمی که به کار شرافتمندانه مشغول اند منتقل میکند. این یعنی تعرض جدید دولت به معیشت کارگران، یعنی زدن دستمزد واقعی، یعنی گسترش بیکاری، یعنی فشار و فلاکت بیشتر. اینکه این رودرویی به کجا میکشد و آیا میتواند به عقب نشینی کامل دولت و پیروزی کارگران تبدیل گردد یا نه به نیروی فعال و رهبری کننده در جنبش کارگری و مهمتر از همه به نقش شبکه محافل کارگران سوسیالیست برمیگردد. گره کار تشکیل، اتحاد، یکی شدن خواستهها بعلاوه یک رهبری تیز، بدون توهم و هوشیار است که راستش تنها از کارگران سوسیالیست بر میآید. سرنوشت مبارزات فعلی هم درست بهمین گره میخورد. پیروزی یا شکست هر مبارزه مشخص در غیاب اتحاد وسیع، و خواستههای واحد، به تناسب قوای محلی موکول میشود. منظورم از تناسب قوا تنها تناسب میان نیروهای رژیم با کارگران به مفهوم محدود قوای انتظامی نیست. این تناسب قوا ابعاد وسیعتری دارد. درجهای که کارگران میتوانند فشار اعتصاب را تحمل کنند، آگاهی و تیزیابی و مهارت رهبران کارگری در محل، درجه آگاهی کارگران و تجربیات پیشین، اهمیت اقتصادی واحد تولیدی و غیره همه جزء این تناسب قوای محلی است. در شرایط فعلی و در غیاب تشکلهای علنی و وسیع سرنوشت مبارزات کارگری بیش از همیشه به نقش متحد کننده شبکه محافل کارگران سوسیالیست مربوط میشود. درجه آگاهی، اتحاد، روشن بینی و مهارت این شبکه مستقیماً در ابعاد و دستاوردهای مبارزات کارگری منعکس میشود. امروز نمونه‌های قابل توجهی از تحرک وسیعتر این شبکه‌ها و رهبران آن بچشم میخورد که قطعاً چشم‌انداز امید بخشی را در مقابل این مبارزات و کل رودرویی کارگران با دولت و کارفرمایان قرار میدهد.

ایسکرا: سیاست حزب در قبال این مبارزات چیست و کمیته داخل چه اقداماتی را در دستور دارد؟

کورش مدرسی: سیاست حزب در قبال مسأله دستمزدها در برنامه حزب آمده است و در کتاب "کار ارزان و کارگر خاموش" هم به تفصیل تشریح شده است. کلید مسأله تعیین حداقل دستمزد توسط نمایندگان کارگران و بالا رفتن اتوماتیک دستمزدها به تناسب تورم است. شرایط برای تحمیل این خواست به دولت و کارفرمایان از همیشه مناسب تر است. نقش شبکه‌های محافل کارگران سوسیالیست، و تشکیلات داخل حزب که اساساً جزئی از همین شبکه‌ها است، تلاش برای هماهنگ کردن این مبارزات، شکل دادن به یک استاندارد معین برای حداقل دستمزد در توافق با محافل و شبکه‌های مختلف کارگران سوسیالیست و تبدیل این به خواست بخش هرچه وسیعتری از کارگران در هر رودرویی با دولت و کارفرمایان است. اینکار همچنین معنی گسترش دامنه کار قانونی و تحمیل تجمعات، نشستها و تشکلهای کارگری و مهمتر از همه شوراهای کارگری به دولت نیز هست. اینها همه خود در گرو گسترش آگاهی سوسیالیستی و بار آوردن کارگران با درک روشنی از لزوم تلفیق مبارزه برای رفهم با مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت کارگری است. توهم به احکام نیمه اسلامی حکومت مذهب مدنی و یا اسلام مدرن و غیره و جریانات مبلغ آن میتواند به لطامت جدی به جنبش کارگری منجر شود. بدون چنین درک روشنی لااقل در سطح رهبران و فعالین شبکه‌های کارگری امکان ملاحظور شدن همین مبارزات جاری توسط بچه‌آخوندهای مسلمان و نیمه مسلمان اپوزیسیون طرفدار رژیم، جدی است. کار ما هم در این رابطه تلاش برای ممانعت از تحقق چنین سناریویی و تضمین بیرون آمدن طبقه کارگر با دستمزد بیشتر و بعلاوه طبقه کارگر متحد تر و آگاه تر و تحمیل تناسب قوای جدیدی برای قدمهای بعدی است. اضافه بر اینها تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران هم با دامن زدن به یک کمپین سراسری در مورد دستمزدها و جلب حمایت تشکلهای و رهبران کارگری در خارج کشور میکوشد فشار عمومی بر جمهوری اسلامی را افزایش دهد که طبعاً اطلاعات مشروح تر را تشکیلات خارج کشور به اطلاع خواهد رساند.

ادامه از صفحه ۲

انقلاب ۵۷ از نگاه.....

به مراتب قاطع تر به بسیج و آگاهگری برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری فوری یک حکومت کارگری میکوشد. حزب ما در برنامه خود، "یک دنیای بهتر"، اعلام کرده است که با سرنگونی رژیم اسلامی و استقرار حکومت کارگری نه فقط وسیعترین آزادیهای سیاسی و مدنی و رفاه و امنیت اقتصادی را، بعنوان ابتدائی ترین حقوق مردم ایران، تضمین میکند، بلکه با اجرا گذاشتن کلیت برنامه کمونیستی خود، شرایط آزادی و رهائی و برابری واقعی و کامل همه مردم را فراهم میآورد. ما با اتکاء به دو دهه تجربه سیاسی کارگران و مردم، میکوشیم این حقیقت مسلم را هر چه بیشتر اشاعه دهیم که بورژوازی ایران، هیچ بخشی از آن، — بدلیل موقعیت اقتصادی ای که در جهان کاپیتالیستی موجود دارد — مایل و قادر نیست کمترین سطح آزادی سیاسی و مدنی و بهبود اقتصادی را برای توده مردم تامین کند. برای تحمیل هر ذره رفاه و آزادی، کارگران و توده مردم باید مبارزات خود علیه بورژوازی و رژیم اسلامی اش را تشدید کنند. تضمین ثبات دستاوردهای این مبارزات هم به نیروی سازمانیافته پرولتاریا با حزب و برنامه کمونیستی اش، و نهایتاً به پیروزی انقلاب کارگری گره خورده است. این مهمترین درس انقلاب ۵۷ از نگاه امروز کارگران انقلابی و کمونیستی است که در کوره دو دهه مبارزه پیکیر علیه رژیم اسلامی سرمایه، آگاه و آبدیده شده اند.

قلدری دولت آمریکا به مانع برخورد

بدنبال ماهها تنش در تقابل دولت آمریکا و رژیم عراق، که طی آن برخلاف سابق، بجز انگلیس، سایر اعضای دائم شورای امنیت، این بار مخالف اقدام نظامی آمریکا بودند، سرانجام با امضای قراردادی میان کوفی انان، دبیرکل سازمان ملل و طارق عزیز معاون صدام حسین، بحران موجود عجلالتاً فروکش کرده است. آمریکا و متحدش انگلیس، به قرارداد امضا شده با کراهت برخورد کردند و کوشیدند در قطعنامه شورای امنیت فرمول مورد نظر خود: "جدیترین عواقب" در صورت امتناع عراق از اجرای کامل قرارداد را بگنجانند تا دست آمریکا برای اقدام نظامی در تقابل آتی باز باشد. علاوه بر انگلیس، ژاپن و آلمان صراحتاً، و چند عضو دیگر شورای امنیت بطور ضمنی از این فرمول حمایت کردند. اما بر اثر مخالفت روسیه، فرانسه و چین (اعضای دائم) و اکثریت شورای امنیت، فرمول فوق با "عواقب جدی" جایگزین شد. روز بعد از تصویب قطعنامه (دو مارس)، بیل ریچاردسن، نماینده آمریکا در سازمان ملل، آنرا بعنوان "چراغ سبز" به حمله نظامی آمریکا در صورت ممانعت عراق از کار بازرسان سازمان ملل تفسیر کرد، در حالیکه کوفی انان تاکید کرد که در صورت عدم اجرای قرارداد از سوی عراق، مسأله قبل از هر اقدامی، مجدداً در شورای امنیت بررسی خواهد شد. طی هفته های اخیر اعتراضات وسیعی در بسیاری از نقاط جهان، از جمله خود آمریکا، علیه تهدید نظامی واشنگتن و ادامه فشار تحریم اقتصادی بر مردم عراق برپا شد. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق در این آکسیونها حضور فعال داشت و طی اطلاعیه هایی قلدری آمریکا و ادامه فشار محاصره اقتصادی بر مردم عراق را شدیداً محکوم کرد. فشار این اعتراضات پر دامنه و شکاف در شورای امنیت این بار مانع قلدری نظامی آمریکا شد اما خطر اینکه تقابل دو دولت آمریکا و عراق باز هم برای مردم عراق و منطقه فاجعه ببار آورد، بهیچوجه مرتفع نشده است.

کنگره اول حزب کمونیست کارگری عراق با موفقیت کامل پایان یافت

کنگره اول حزب کمونیست کارگری عراق در اوائل فوریه ۹۸ در کردستان عراق برگزار شد. در این کنگره قریب صد تن، مرکب از نمایندگان بخشهای مختلف حزب از کردستان، وسط و جنوب عراق و حوزه های خارج کشور، همچنین مهمانانی از حزب کمونیست کارگری ایران شرکت داشتند. کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت برای بزرگداشت جانبازان سوسیالیسم و رهائی طبقه کارگر شروع بکار کرد و پس از تصویب اعتبارنامه ها و آیین نامه و قرائت پیامها با نطق افتتاحیه رفیق رحمان حسین زاده وارد دستور شد. دستور شامل گزارش، برنامه حزب، اصول سازمانی حزب، حزب و قدرت سیاسی، استراتژی حزب در کردستان، حزب و دنیای عرب، قطعنامه ها و قرارها و انتخاب کمیته مرکزی بود. پس از چهار روز کار فشرده و در فضای سرشار از شوروشوق و همدلی، کنگره با انتخاب نوزده نفر عضو کمیته مرکزی و هفت علی البدل با موفقیت کامل بکار خود پایان داد.

پلنوم هفتم کمیته مرکزی

کمیته مرکزی منتخب کنگره روز هشتم فوریه پلنوم خود را گرفت و پیرامون شیوه های عملی کردن جهتگیری سیاسی و مصوبات کنگره، بحث و گفتگو کرد. پلنوم همچنین اوضاع سیاسی عراق را در پرتو کشمکشهای اخیر آمریکا و رژیم بعث و جنگ طلبی جدید آمریکا، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و سیاست و نقشه عمل حزب را در این زمینه تعیین کرد. در بند آرایش کمیته مرکزی، پلنوم دفتر سیاسی و دبیر و معاون دبیر کمیته مرکزی را برگزید: رفقا طاهر حسن، ناسک احمد، سامان کریم، موید احمد، ربیوار احمد، خسرو سایه، امجد غفور، شاپور عبدالقادر و محسن کریم به عضویت دفتر سیاسی و رفقا آسو کمال، عبدالله محمود، آوات سعید و فارس محمود بعنوان علی البدل دفتر سیاسی، همچنین رفیق ربیوار احمد به دبیری کمیته مرکزی و رفیق امجد غفور بعنوان معاون دبیر انتخاب شدند.

ایسکرا: با شادباش برگزاری موفقیت آمیز این کنگره پراهمیت و پر دستاورد به هر دو حزب کمونیست کارگری عراق و ایران، خواهیم کوشید در شماره های آتی، حتی المقدور، بخشهایی از اسناد و مصوبات کنگره را منعکس کنیم.

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

| | | | |
|--|---|--|--|
| K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden | Postfach 103137 50471 Köln Germany | BM Box 8927 London WC1N 3XX England | W.P.I Box 719stn.P Toronto, ONT .M5S 2Y4 Canada |
| Postgiro: 4492709-3 K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden | Z.I.KONTO: 17116703 BLZ: 10090000 Berliner Volksbank Germany | Account No:07687 Royal Bank of Canada 10 Eglinton Ave. E Toronto, Ont M4P 2W7 Canada | |
| Fax: (46) 08-659 82 22 E-Mail: 100260,3324@compuserve.com E-Mail: wp.iran@mailbox.swipnet.se | تلفن تشکیلات خارج کشور ۰۲۰-۵۸۸۵۸۳۶ (۴۶) دوشنبه، چهارشنبه، جمعه ساعت ۱۴-۱۱ | | |

ایسکرا Iskra

سردبیر: فاتح شیخ الاسلامی

E-Mail: fa.shaik@swipnet.se

همکار: غلام اکبری

نگاهی به اخبار جهان

نادر بکتاش

فقر و خشم، امید

در جریان یکی از تظاهراتهای اخیر در فرانسه، بیکاران با فریاد: "آتهایی که فقر میکازند، خشم درو خواهند کرد" و شعار: "آوبری، نوتا، نوکر صاحبکاران" مانکن نیکول نوتا را سوزاندند. آوبری وزیر اشتغال و نوتا رئیس سندیکایی است (ث. اف. د. ت). که بیش از پیش، آشکارا، به دفاع از سرمایه و خصومت با مطالبات کارگری میپردازد. جنبش بیکاران فرانسه که در آخرین روزهای سال گذشته با اشغال آژانسهای کاریابی شروع شد، بیش از یک ماه ادامه داشت و از پشتیبانی اکثریت افکار عمومی برخوردار شد.

مطالبات

خواستهای بیکاران به شرح زیر بود: دریافت ۳۰۰۰ فرانک برای جشنهای پایان سال؛ افزایش درآمد ماهانه حداقل (۲۲۰۰ فرانک)، به میزان ۱۵۰۰ فرانک؛ حق درآمد برای زیر ۲۵ ساله ها که در حال حاضر از هر درآمدی محروم هستند؛ لغو اصلاحات جدیدی که کمکهای اضطراری را محدود کرده اند. برخی از این مطالبات منطق عمومی مطالبات سنتی را دارند (افزایش دستمزد و پاداش پایان سال)، اما مطالبه حق درآمد برای تمام افرادی که در بازار کار هستند، مستقل از اینکه کار کرده باشند یا نه، نوعی گسست ایدئولوژیک و عملی از نظامیست که کار را پیش شرط پاسخگویی به نیازهای ابتدائی بشر تعریف میکند. تا کنون دولت جز خرده ریزهایی، پاسخی در خور به این مطالبات نداده است و با برخی از آنها مانند افزایش حداقل درآمد به میزان ۱۵۰۰ فرانک مخالفت قاطع نشان داده است.

اشکال آکسیون

از همان ابتدا، این حرکت با آکسیونهای رادیکال و نمایشی شروع شد. اشغال، شکل اصلی سری آکسیونهایی شد که از آژانسهای کاریابی تا شهرداریها، و از ساختمانهای خالی تا ادارات مختلف دولتی و حتی مرکز حزب سوسیالیست در پاریس را شامل میشود. علاوه بر آن بیکاران ابتکارات دیگری هم میزدند که از یک طرف ائتلاف طبقاتی و فقر و ثروت و از طرف دیگر نیازهای آنان را به زندگی و تفریح مناسب به نمایش میگذاشت و به همین دلیل هم از سمپاتی عمومی برخوردار گشت. بعنوان مثال در گروههای چند نفری رستورانهای معروف و شیک شانزه لیزه و مونیپارناس را اشغال میکردند.

افکار عمومی

۷۸ درصد مردم فرانسه حداقل یک بیکار در میان افراد فامیل یا دوست و آشنایانشان دارند یا داشته اند، بیش از ۵۰ درصد به بیکاران کمک مالی کرده اند و نزدیک به ۴۰ درصد بیکار هستند و یا بیکاری را تجربه کرده اند، این از دلایل سمپاتی عمومی به این حرکت بود.

احزاب و سندیکاها

این آکسیونها توسط تشکلاتی از بیکاران سازماندهی شد که از اوائل دهه ۹۰ به وجود آمده اند و خصوصیت مشترکشان رادیکالیسم در شکل آکسیون و بعضاً در مطالبات است. اینها غالباً تحت نفوذ و مورد حمایت سازمانهای تروتسکیست و آنارشیست و غیره هستند و در این حرکت توانستند ث. ژ. ت. حزب کمونیست و سبزها را به دنبال خود بکشند و خود را بعنوان مخاطب رسمی دولت تحمیل کنند.

در خارج از فرانسه-آلمان، بریتانیا، ایتالیا، سوئد و...- اعتراض بیکاران همبستگی معنوی، شور و اشتیاق، بحث و امید های زیادی برانگیخته است. رهبر یکی از سازمانهای بیکاران آلمان اظهار امیدواری کرده است که بیکاران آلمان هم بتوانند در سال جاری حرکت مشابهی به راه بینازند. در بریتانیا سخنگوی یکی از تشکلات مشابه گفته است: "این دقیقاً حرکتی است که ما دلمان میخواست سازمان بدهیم" و در ایتالیا رئیس فیات به دولت هشدار داده است که "مراقب اوضاع فرانسه باشد".

چشم انداز

این جنبش از همان کمبودهای حرکت عظیم نوامبر-دسامبر ۱۹۹۵ رنج میبرد. حزبی وجود ندارد که چشم انداز یک جامعه و نظام دیگر را در مقابل مردم قرار دهد، گسست عمیق درونی اکثریت جامعه از سرمایه داری و آمادگی ذهنی و عملی آنها را برای یک مبارزه تا به آخر، تبدیل به بسیج حول شعارها و نیروی اصلی اعتراض یعنی کارگران بکند و بساط این برده داری شرم آور را به هم بریزد.

حرکت اعتراضی کارگران و مردم در فرانسه ادامه دارد و امیدی که برمی انگیزد خاموش نخواهد شد چرا که ریشه در نیاز انسانها به آزادی از فقر و بی حرمتی دارد.

این امید نیرو و وسائل تحقق خودش را فراهم خواهد کرد.

دهند. یزدی در نماز جمعه ۸ اسفند به پاتک شدیدی دست زد و با "سیاسی" خواندن اقدام شهرداران تهدید کرد که در صورت عدم ارائه سند مبنی بر شکنجه شدن، تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. در حالیکه علاوه بر مردم، همه دست اندر کاران رژیم هم مطلعند که شکنجه، تا سرحد مرگ، یک رویه معمول در زندانهای جمهوری اسلامی است، کشیده شدن گوشه ای از این توحش به جدال جناحهای رژیم به کوه افشاگریهای دو دهه گذشته در این زمینه چیزی اضافه نمیکند ولی عمق شکافهای بالا و سرایت آن به نقاط "حساس" حاکمیت رژیم اسلامی را نشان میدهد. پاتک سریع یزدی گواه وحشت سکانداران نظام از همین واقعیت است.

درگیری مردم سندج با پلیس

طبق اطلاعاتیه کمیته سنندج حزب کمونیست کارگری جمعه شب شانزده بهمن بدنبال ایجاد مزاحمت پلیس برای چند تن از اهالی درگیری شدیدی بین شماری از مردم سنندج و نیروهای پلیس در میدان آزادی این شهر روی داد که بر اثر آن، میدان آزادی بمدت یک ساعت و نیم بروی حرکت وسائط نقلیه بسته شد و به میدان زد و خورد و جنگ و گریز مردم و پلیس مبدل گردید. مردم با واژگون کردن کیوسک راهنمایی و زخمی کردن یک افسر پلیس بازداشت شدگان را آزاد کردند و خود در کوچه های اطراف متفرق شدند. فردای آن روز نیروهای رژیم تعدادی از مردم را دستگیر کردند. طبق اطلاعاتیه بعدی کمیته سنندج (مورخ ۸ اسفند)، سه نفر از این دستگیر شدگان همچنان در زندان و در خطر محاکمه و مجازات بسر میبرند. در این اطلاعاتیه کمیته سنندج مردم آزادیخواه این شهر را به تشدید مبارزه علیه رژیم اسلامی و فشار آوردن برای آزادی فوری بازداشت شدگان فرا خوانده است.

مقاومت مردم در برابر مجازاتهای اسلامی

گسترش مییابد

یک دادگاه در تهران از سه سال پیش شخصی بنام وحید را به اتهام اینکه باعث نابینائی شخص دیگری بنام اسماعیل شده، به قصاص اسلامی "چشم در برابر چشم" محکوم کرده ولی هیچ پزشکی حاضر به اجرای این قصاص وحشیانه نشده است. مقامات دادگستری ضمن دادن این خبر به مطبوعات فاش کردند که در اجرای اکثر قصاصها مانند بریدن انگشتان و مچ دست، پرتاب متهم از بالای کوه و غیره که باید توسط یا در حضور پزشک انجام شود با "مشکل" مواجهند!

مقاومت و تنفر بخشهای مختلف جامعه در قبال مجازاتهای اسلامی هر روز گسترش مییابد. به گزارش کمیته سنندج حزب کمونیست کارگری ایران اخیرا زنی بنام بتول در روستای موچش سنندج، که متهم است طی نزاع خانگی آب جوش بروی همسرش صدیق ریخته، توسط دادگاه اسلامی محکوم شده که همسرش برویش آب جوش بریزد! در روستای "توبره ریز" نزدیک شهر کامیاران نیز زنی بنام کافیبه به اتهام اینکه باعث نابینائی مردی بنام همایون شده، زندانی است و در معرض قصاص "چشم در برابر چشم" قرار دارد. طبق اطلاعاتیه کمیته سنندج، این دو مورد و نیز مورد دستگیری سه زن و سه مرد در شهر میروان نفرت و نگرانی وسیع مردم منطقه را علیه مجازاتهای اسلامی برانگیخته است. چند ماه پیش نیز در روستای علی آباد بوکان یک آخوند و گروهی از مزدوران رژیم که زنی بنام زلیخا را سنگسار میکردند بر اثر اعتراض و سنگ پرانی مردم بسوی آنها، ناچار به فرار و نیمه تمام گذاشتن مجازات وحشیانه شان شدند.

جمهوری اسلامی (۱۳ اسفند ۷۶)

* "ما دشمنان زیادی داریم که نه به این جناح و نه به آن جناح دیگر کمترین اعتقاد و اعتمادی ندارند. آنها با اصل نظام و با ریشه این انقلاب در تعارضند ولی در گردونه تبلیغات انتخاباتی امیدوارند که نیروهای انقلاب همیشه رودرروی یکدیگر قرار بگیرند و اختلاف سلیقه ها به نوعی تعارض و جنگ قدرت دائمی در بطن جامعه تبدیل شود."

* گفته میشود دستهای مرموزی که از دشمنان انقلاب خط میگیرند در صدد القاء اختلاف و عدم هماهنگی بین وزارت کشور و نیروی انتظامی است. اخیرا تلاش برای بدبین کردن این دو ارگان نسبت به یکدیگر افزایش یافته است."

عصر ما (۸ بهمن ۷۶)

* (مخالفان رئیس جمهور) "هیچ فرصتی را برای ضربه زدن به ایشان از دست نمیدهند. آنهاکه در ماجرای افشای نامه کاندیدای خود به مقام رهبری مبنی بر ضرورت برقراری رابطه با آمریکا سکوت کردند و مواضعه خفت بار با انگلیس را به

اعتصاب گسترده و طولانی کارگران

گروه صنعتی ملی

اعتصاب گسترده کارگران گروه صنعتی ملی، که از ۲۲ دیماه امسال بخش اعظم کارخانه های این گروه را در بر گرفت و هدف آن تحقق یک سری خواستهای معیشتی و در راس آن خواست افزایش دستمزد بود، پس از پنج هفته، با قول مقامات مربوطه مبنی بر رسیدگی به خواستهای مطرح شده روز سه شنبه ۲۸ بهمن (۱۷ فوریه) پایان یافت. روز پایان اعتصاب، نیروهای سروبوگر مستقر در محوطه گروه صنعتی ملی شش تن از کارگران اعتصابی را دستگیر کردند که هنوز از آزادی آنان خبری دریافت نشده است. کمیته داخل حزب کمونیست کارگری ایران طی اطلاعاتیه های پی در پی خود خبر این اعتصاب گسترده را باطلاع عموم رسانید و در آخرین اطلاعاتیه خود بتاريخ ۲۹ بهمن (۱۸ فوریه) این حرکت بزرگ کارگری را چنین ارزیابی کرد: "اعتصاب کارگران گروه صنعتی ملی، یکی از بزرگترین اعتصابات کارگری در چند سال اخیر است که روح تازه ای در فضای اعتراض کارگری دمیده و نمونه برجسته ای از همبستگی و اتحاد کارگران در سطحی سراسری تر را بنمایش گذاشت. خواستهای این کارگران تنها خواست این طبقه کارگر نیست. کل طبقه کارگر خواهان تحقق فوری این خواستها و آزادی فوری کارگران دستگیر شده است."

درگیری دو گروه از دانشجویان طرفدار و

مخالف خاتمی

روز دوشنبه یازده اسفند (دوم مارس) دو گروه از دانشجویان طرفدار و مخالف خاتمی در محوطه جلو دانشگاه تهران به زد و خورد پرداختند. "اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم وحدت) که از خاتمی طرفداری میکند با اجازه وزارت کشور یک گردهمایی در اعتراض به رد صلاحیت شماری از نامزدهای انتخابات میان دوره ای، که قرار است هفته آینده در چهار شهر تهران، اصفهان، خمین و سلماس برگزار شود، برپا کردند. "اتحادیه دانشجویان حزب الله دانشگاه تهران" که وابسته به جناح دیگر رژیم است نیز در همان روز و ساعت تظاهرات متقابلی را سازمان داد که منجر به درگیری شدید و مجروح شدن تعدادی از دو طرف شد. نیروهای انتظامی در این درگیری از مخالفان خاتمی حمایت کرده و گروه زیادی از دانشجویان طرفدار خاتمی را دستگیر کردند.

کشمکش شهرداران تهران و رئیس

دستگاه قضائی

چند تن از شهرداران نواحی تهران که در پی اختلافات جناحی رژیم دستگیر و زندانی شده بودند، اخیرا در جمع نمایندگان طرفدار خاتمی در مجلس اسلامی، از شکنجه شدنشان در دوران بازداشت پرده برداشتند. این شهرداران، که به طرفداری از جناح خاتمی مشهورند، بازداشت خود را کمپین سیاسی جناح مخالف بدنبال پیروزی خاتمی در انتخابات مینامند و در تلاشند به کمک نمایندگان، کمپین متقابلی علیه یزدی رئیس قوه قضائیه سازمان

از نشریات داخل

روزنامه جامعه (۴ اسفند ۷۶)

"جزییات تازه از حمله کمونیستها به دکتر سروش: اعضای حزب

کمونیست کارگری ایران با طرح شعارهای ضد جمهوری اسلامی ایران و دکتر عبدالکریم سروش سخنرانی وی را در دانشگاه هامبورگ به آشوب کشیدند. دکتر سروش در یک گفتگوی تلفنی با روزنامه جامعه که پس از بازگشت وی به تهران صورت گرفت در این زمینه اطلاعات تازه ای را مطرح کرد. به گفته دکتر سروش یک روز پیش از برگزاری نشست، اطلاعاتیه هایی بر در و دیوار محوطه دانشگاه به امضای حزب کمونیست کارگری ایران (شاخه آلمان) نصب شد. در این اطلاعاتیه ها آمده بود که سروش همکار ایدئولوگهای مرتجعی چون مطهری است و در دوران انقلاب فرهنگی به دستور و زیر نظر او دهها تن دانشجو کشته و یا از دانشگاه اخراج شده‌اند. نیز مدعی شده بودند که سروش مجرم است و باید در محاکم بین المللی محاکمه شود و خواسته بودند دانشگاه هامبورگ سخنرانی را لغو کند."

از صفحه حزب دراینترنت دیدن کنید:

http://www.wpiran.org

به حزب کمونیست کارگری ایران کمک مالی کنید